

شاخص های ارتقاء استقامت انسان در مقابل طاغوت، با رویکرد قرآن کریم

علی وثوقی^{۲۵}

فصلنامه مدیریت فرهنگی مطهر، سال هجدهم، شماره ۵۹، زمستان ۱۴۰۰

چکیده

کلام الله مجید استقامت انسان را ضرورت انکارناپذیر برای حیات بشر می داند، که فقدان آن موجب فساد در زمین خواهد شد. آنچه واضح و مسلم است، طاغوت ها در زمان ها و موقعیت های مختلف از روش ها و شگردهای گوناگون بهره برده اند تا بدین وسیله انسان های مقاوم را از استقامت در راه حق منصرف کنند. در نقطه مقابل، قرآن کریم در بسیاری از آیات از استقامت در مقابل طاغوت ها و تسلیم نشدن در برابر آنها تاکید دارد. با بررسی های بعمل آمده مشخص شد، شاخصه هایی وجود دارد که با فعال شدن آنها نه تنها استقامت انسان در مقابل دشمنان سست و ضعیف نمی شود، بلکه به واسطه این شاخصه ها و عمل به آنها، زمینه و بستری فراهم می شود تا استقامت انسان، ارتقاء یابد. نکته حائز اهمیت و کلیدی آنست که صرف ممدوح دانستن استقامت و اطلاع از کلیات آن، انگیزه استقامت در انسان بوجود نخواهد آمد. آنچه مهم است و در این پژوهش به دنبال آن هستیم، بررسی و تحقیق پیرامون عوامل ترغیب کننده و تقویت بخش در استقامت انسان در مقابل طاغوت می باشد. عواملی چون: الگوسازی از سیره رادمردان مقاوم- تبیین صحیح و منطقی از آثار و برکات استقامت- شناخت صحیح و منطقی از چهره حقیقی طاغوت و ... که با بهره گیری از روش اسنادی و کتابخانه ای و استفاده حداکثری از آیات کلام الله مجید، تفاسیر و تعدادی از روایات، هفت شاخصه مهم و کاربردی به همراه برخی مصادیق آن مورد بررسی قرار گرفت.

واژگان کلیدی: استقامت، انسان، توحید، طاغوت

^{۲۵} پژوهشگر و دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
avosoghi^{۲۵}@gmail.com

بیان مساله

با اندکی ژرف نگری در پدیده‌های آفرینش و اثرگذاری و اثرپذیری که هر پدیده نسبت به پدیده‌های دیگر دارد، درمی‌یابیم که هر چیز برای بقاء، نیاز به استقامت دارد و عنصری که فاقد استقامت باشد، خاصیت وجودی و هویت اصلی خود را از دست می‌دهد و رو به زوال می‌رود. از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: «انسانی که استقامت نداشته باشد، شایسته آن نیست که در شمار افراد کامل محسوب شود» (مجلسی، ۱۳۱۹ق: ۲۴۶) با بررسی‌های بعمل آمده، به نظر می‌رسد که اکثریت مباحث و تحقیقات صورت گرفته پیرامون استقامت، متمرکز بر اهمیت آن، چرایی و چگونگی آن، گونه‌های مختلف آن، موانع آن و... می‌باشد، که در جای خودش دارای اهمیت بوده و لازم است. اما آنچه که به عنوان یک مساله مهم و ضروری می‌باشد و چندان مورد عنایت قرار نگرفته است، آنست که چه راه‌ها و شاخص‌هایی می‌تواند انسان را به این مهم رهنمون سازد و چه عواملی زمینه ساز نیل به استقامت و ارتقاء روحیه مقاومت در انسان می‌باشد. مقاله حاضر در صدد پاسخگویی به این پرسش است. در ارتباط با استقامت مقالاتی چند نوشته شده است: «استقامت و پایداری نوشته ایمان یزدانی نیا» که در آن به عوامل، آثار و انواع استقامت به شکلی مختصر پرداخته شده است؛ «نگرشی بر استقامت پیامبر در قرآن نوشته ابوطالب عبداللّهی» که در آن تنها به بررسی صبر پیامبر در عرصه‌های مختلف نبوت ایشان پرداخته شده است؛ «استقامت نوشته سید رضا صدر» که در بخش کوچکی از آن، به صورت کلی به آیات استقامت اشاره شده است؛ «بررسی مفهوم استقامت با رویکرد اجتماعی در آیات قرآن نوشته اصغر زاهدی تیر» که فقط به جنبه اجتماعی بودن استقامت توجه کرده است. وجه تمایز مقالات فوق با پژوهش حاضر آنست که در هیچکدام از این مقالات توجهی به عوامل زمینه ساز در سوق دادن انسان‌ها به این امر حیاتی، صورت نگرفته است، و هر چند که به طور پراکنده اشاراتی شده است، اما قصد داریم این خلاء را تا حدودی، هر چند اندک جبران نمائیم.

معنای لغوی استقامت

کلمه استقامت، که از محوری‌ترین واژگان در این تحقیق می‌باشد از ریشه «ق- و- م» بوده و درباره راهی گفته می‌شود که بر روی خط هموار می‌باشد بدون نیل به خروج از آن و راه حق به آن تشبیه شده است؛ استقامت انسان یعنی متعهد بودن او در راه مستقیم (راغب اصفهانی، ج ۱، ص ۶۹۲) واژه پژوهان و مفسران برای آن معانی متعدد و مختلفی ذکر کرده‌اند. از جمله: اعتدال و دوری از افراط و

تفریط (تاج العروس، ج ۱۷، ص ۵۹۲) ثبات قدم و صبر و ایستادگی و جهدوتلاش (الصحاح، ۵ / ۲۰۱۷)
عدل و عدالت (زبیدی، ۱۷ / ۵۹۲)

معنای اصطلاحی استقامت

معنای استقامت این است که انسان یک راهی را انتخاب کند که آن راه را حق می‌داند، راه درست و صحیح می‌داند، و در این راه شروع به حرکت کند و موانع در بین راه نتواند او را از حرکت در این مسیر منحرف، منصرف و متوقف کند (سید علی خامنه‌ای، ۱۴ / ۳ / ۱۳۹۸)

استقامت، سیاست و سلوک ممتد است و نه حادثه یا لحظه، بلکه کاری تمدنی و فراگیر در رویارویی با مبارزه طلبی‌ها، دشمنی‌ها و تجاوزگری‌ها یا هر چیز دیگری است که برهم‌زننده تعادل و توازن باشد. (حسین کیانی، بن مایه‌های ادبیات مقاومت در قرآن)

معنای لغوی طاغوت

طاغوت از ماده «طغی» و در لغت به کسی که در شر و معصیت فراتر از حد خود قدم بردارد، طاغی و طاغوت گفته شده است. (اسماعیل ابن حماد جوهری، الصحاح تاج اللغه، بیروت، ۱۴۰۷ق - ابوهلال حسن بن عبدالله عسکری، الفروق اللغویه، ج ۱، ص ۲۳۰، قم ۱۴۱۲)

– معنای اصطلاحی طاغوت

طاغوت در اصطلاح به معنای هر آن چیز یا کسی است که به جای خداوند در جایگاه پرستش قرار گیرد. طبق این تعریف، حکومت‌های فاسق و ظالم، انسان‌های گمراه‌کننده مردم و همه کسانی که بدون رضایت خدا فرمانبری میشوند، طاغوت هستند. (طبری، تفسیر طبری، ذیل بقره: ۲۵۶)

۱- الگوسازی از سیره رادمردان مقاوم

یکی از مهمترین شاخص‌ها برای افزایش استقامت انسان‌ها در مقابل فشارهای طاغوت‌ها، الگو قرار دادن و برجسته نمودن نقش انسان‌هایی است که در طول تاریخ در برابر ناملایماتی که از جانب طاغوت‌ها بر آنها تحمیل می‌شد، ایستادگی می‌کردند و قرآن کریم از آنها به عنوان الگوی حسنه یاد می‌کند. "وجودالگوهای برتر و شایسته، یکی از عوامل تقویت استقامت و تربیت انسان است، زیرا این الگوها بارفتار و کردار خویش، معلمان و راهبران جامعه هستند و پیامبر اسلام (ص) بزرگترین این الگوهاست." (حجت الاسلام محمود نورپور، امام جمعه خرمدره، ۳۰ دی ۱۳۹۲، خبرگزاری بین‌المللی قرآن) از نقش بنیادین الگو در انتقال ارزش‌های انسانی و چگونگی اثرگذاری آن بر افراد تحت تربیت، کمتر سخن به میان آمده است. موجودات عالم آشکارا از عوامل اطراف خود تاثیر می‌پذیرند و همواره در معرض تغییر و تحول اند.

تاثیر پذیری در انسان، به علت برخورداری از قوه عقل و اختیار، عالمانه و عامدانه است، که این تاثیرپذیری باعث تقویت روحیه استقامت در انسان می شود. (علی فلاح رفیع، روش شناسی الگو در انتقال ارزش ها، مقاله سال چهارم، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۱، ص ۳۳ تا ۵۷) آیه ۲۱ سوره احزاب «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه» که به الگو بودن پیامبر اشاره دارد، اسوه بودن ایشان در این آیه را مربوط به استقامت در برابر طاغوت می داند. نقش بی بدیل پیامبر در جنگ احزاب، الگوی تقویت استقامت انسان ها می باشد: هدایت لشکر، امیددادن، خندق کندن، شعارحماسی دادن، به دشمن نزدیک بودن و استقامت نمودن از نمونه های بارز آن است؛ از این رو معرفی الگو، یکی از موثرترین شیوه های تربیت است. (قرائتی،)

از آنجا که فطرت آدمی، آماده نقش پذیری از الگوست، قرآن کریم بر دقت در انتخاب الگو و عقلانیت آن بسیار تاکید می ورزد. اساساً بعثت پیامبران و ارسال رسولان از جانب خداوند متعال، به هدف ارائه الگویی فکری و عملی برای انسان هاست. جریان سازی و تبیین الگوهای قرآنی نمونه، نقش بی بدیلی در الگو پذیری انسان ها از چهره های مقاوم الهی خواهد داشت. در این بخش به برخی مصادیق قرآنی آن خواهیم پرداخت:

ایستادگی حضرت ابراهیم علیه السلام و یارانش

حضرت ابراهیم علیه السلام و یاران او اسوه هستند. قرآن کریم حضرت ابراهیم علیه السلام و یاران او را به عنوان الگوی حسنه معرفی می کند. « قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ » (ممتحنه: ۴) در اینجا یاران ابراهیم نبی هم به عنوان اسوه استقامت ذکر شده اند تا کسی نگوید که ابراهیم علیه السلام معصوم بود و ما نمی توانیم از او تبعیت کنیم. این آیه روشن می کند که استقامت و عدم سازش ابراهیم و یارانش در مقابل طاغوت زمانش، سرمشق برای ایستادگی انسان ها می باشد و با تاسی و اقتدای به آنها می توان در مسیر حق استقامت کرد. (بلاغی سید عبدالحجت، انتشارات حکمت، قم، سال چاپ ۱۳۸۶ق) این آیه اعلام می دارد: ما از شما و از آنچه غیر خدا می پرستید بیزار می جوییم. خداوند، ابراهیم علیه السلام را در طول زندگی پر برکتش به شکل های گوناگون و سخت امتحان کرد و پس از استقامت و موفقیت حضرتش در تمام آنها، مقام امامت را به او عطا نمود. « وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا » (بقره: ۱۲۴) "مراد از «كَلِمَاتٍ» اوامر و نواهی است." (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۷۱)

استقامت طالوت و پیروانش

طالوت مامور بود که فقط کسانی را به جهاد ببرد که شیفته مبارزه در راه خدا هستند. لذا گفت: کسانی که در حال ازدواج هستند، یا فکرشان به خانه یا کسب و کار مشغول است و کارهای نیمه تمام دارند، با من نیایند. اما به هر صورت، جمعیت زیادی جمع شدند. (صدر بلاغی، ۱۵۱) پس از امتحانات مختلف و سختی های پیش رو عده کثیری که در ابتدا ندای همراهی با طالوت را داده بودند مردود شدند. در این میان، گروه خیلی کمی که ایمان راسخ و روحیه مقاومت داشتند و دلشان به نور ایمان منور بود، با شجاعت گفتند: ما گوش به فرمان طالوت هستیم و اگر خدا بخواهد، با همین سپاه اندک، بر جمعیت کثیر طاغوت غلبه خواهیم کرد. «قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» مفسران گفته اند که تعداد آن ها به تعداد اهل بدر، یعنی ۳۱۳ نفر بود. (مغنیه، ۱۴۲۴ق: ۳۸۱)

وقتی آنها در مقابل سپاه عظیم جالوت قرار گرفتند و کمی نفرات خود و قدرت دشمن را مشاهده نمودند، دست به دعا برداشتند و از خداوند سه چیز طلب کردند: یکی نیروی باطنی و آن قوت روح استقامت بود، دیگری نیروی ظاهری و جسمی بود و سومی نتیجه مبارزه که همان پیروزی بر دشمن بود. (مکارم، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۴۵) «وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (بقره، ۲۵۰)

استقامت ربیون در معیت انبیاء

"ربیون جمع ربی، مردان ربانی می باشند؛ کسانی که در علم و ایمان و عمل، پیشتاز هستند و جز به کار خدا نمی پردازند". (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۲: ۲۶۹) در آیه ۱۴۶ آل عمران، شجاعت، استقامت و ایمان مردان الهی را که پیامبران خود را حمایت و همراهی می کردند، خاطر نشان می کند و می فرماید: «وَكَايْنُ مِنْ نَبِيِّ قَاتِلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ» (آل عمران، ۱۴۶) نکته مهم و حائز اهمیت این است که این مردان الهی از تلفات سنگین فشارها و مصیبت هایی که در این راه دیدند، خم به ابرو نیاوردند. در ادامه این آیه شریفه سه موضوع با ترتیبی خاص بیان شده است: «وَهَنٌ، ضَعْفٌ، اسْتِكَاثٌ» - «فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» یعنی آنچه از سختی ها و مشکلات بر آنها فرود آمد، سبب نشد سست شوند و دچار انکسار در عزم و اراده شوند. «وَمَا ضَعُفُوا» آنان در دین و عقایدشان و همچنین در مقابل با طاغوتیان دچار ضعف و انفعال نشدند - «وَمَا اسْتَكَاثُوا» در مرحله سوم وقتی ضعف معنوی و مادی دامن گسترد، انسان به وادی تضرع و خضوع در برابر دشمن وارد می شود و آماده تسلیم شدن می شود. اما صفات ربیون این بود که در مقابل دشمن خضوع و اظهار شکست نکردند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۳۹۰) همچنین در پایان این بخش باید یادآور شد که ائمه معصومین علیهم السلام به همراه برخی از یاران باوفایشان، الگو و

مظهر کامل استقامت بوده‌اند. به‌عنوان نمونه، پایداری امام حسین علیه‌السلام به همراه یارانش در سخت‌ترین لحظات، و رویارویی رضایت‌مندانه آنان با مصیبت‌ها، همه برخاسته از حق‌طلبی آنان بود. حضرت زینب سلام‌الله‌علیها در اوج سختی و مصیبت، برای نشان‌دادن اقتدار و عزت، خطاب به دشمن می‌گوید: ما رایتُ الا جمیلاً.

تبیین صحیح و منطقی از آثار و برکات استقامت

اگر منافع و پیامدهای مثبت استقامت در برابر طاغوت‌ها، به روش درست و منطقی برای مردم بازگو شود و نشر پیدا کند، اثر مثبت خود را در تقویت و افزایش ایستادگی انسان در برابر برخی ناملایمات و سختی‌ها، نشان خواهد داد.

قرآن کریم بین استقامت، و وفور نعمت و روزی مندی رابطه مستقیم قائل است؛ انسان به هر میزان که فراوانی روزی را در مورد استقامت درک کند، به همان میزان انگیزه او در باب ایستادگی مضاعف خواهد شد. (بهرام پور، ج ۹، ص ۲۱۵، ۱۳۸۶)

استقامت در راه حق منجر به وسعت رزق و عزت انسان خواهد شد، که باز گو نمودن آن موجب استمرار در مسیر حق و تقویت ایستادگی انسان می‌شود. (انوارالتنزیل و اسرار التاویل، بیضاوی عبدالله بن عمر، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸ق)

انسان عاقل و با تدبیر، هر اقدام و حرکتی را که بخواهد اتخاذ کند، پیامدها و نتایج مثبت و منفی و منافع مادی و معنوی آن رویکرد را بادقت نظر مورد بررسی قرار می‌دهد و براساس آن تصمیم می‌گیرد. بی تردید استقامت از ارزش‌های الهی در برابر طاغوت‌ها، کار ساده‌ای برای انسان نخواهد بود، و هزینه‌ها و تبعاتی را در پی خواهد داشت؛ اما نکته مهم و حائز اهمیت این است که هزینه کدامیک بیشتر از دیگری است. این مساله را قرآن کریم در برخی آیات پاسخ صریح و شفاف داده است و هزینه‌سازش در برابر زورگویان را بسیار بیشتر از مقاومت برشمرده و ثمرات استقامت را یادآور می‌شود. در این زمینه مقام معظم رهبری می‌فرماید: استقامت هزینه دارد اما هزینه‌سازش و تسلیم، از هزینه مقاومت به مراتب بیشتر است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، حرم حضرت امام) به اختصار برخی از آثار قرآنی استقامت که تجربه شده است عبارتند از:

ایجاد نشاط روحی و رفع ترس و حزن از انسان

اگر ما نشاط می‌خواهیم، اگر امید، شادابی و سرزندگی در زندگی بشری می‌خواهیم، باید به این گزاره ملکوتی و قرآنی ایمان بیاوریم. «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

يَحْزَنُونَ» (احقاف، ۱۳) وقتی اجتماعی از ترس عاری شد، با جرأت و قدرت بیشتر و روحیه بهتر در راه حق پیش می‌رود و به هدف نزدیک‌تر می‌شود. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: استقامت در راه درست نتیجه اش این است که خدای متعال اندوه و ترس را از انسان سلب می‌کند و موفقیت را نصیب آنها می‌کند. (خامنه‌ای، ۱۳۸۵، دیدار با مردم گرمسار) در تفسیر علی ابن ابراهیم ذیل آیه فوق، "منظور استقامت بر ولایت امیر مؤمنان علی علیه‌السلام می‌باشد". (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶: ۲۶۱) افرادی که استقامت می‌کنند خوف ندارند، چون همیشه خوف، جایی پیدا می‌شود که پای احتمال خطری در بین باشد و همچنین اندوه ندارند چون اندوه، وقتی به دل می‌آید که خطری واقع شده باشد. (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۸: ۱۹۶)

فزونی رزق و نعمت برای انسان

استقامت نه تنها سرچشمه برکات معنوی است؛ بلکه موجب فزونی ارزاق مادی و وفور نعمت و آبادانی و عمران برای انسان می‌باشد. اولین سبب رفاه و آسایش، نزول آب باران است؛ چرا که زندگی بر چرخه آب می‌گذرد. کسانی که در راه حق استقامت می‌کنند، خداوند متعال به آنها وعده داده که قطعاً آبی گوارا به آنان می‌نوشانیم. «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِيَنَّهُمْ مَاءً غَدَقًا» (جن، ۱۶) "مراد از آب فراوان، کنایه از وسعت رزق و برکات فراوان می‌باشد". (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۲۳۶) کسانی که استقامت در طریق حق دارند، "پس آنها کسانی هستند که اهل ایمان و اطاعت از پروردگار هستند. جزای آنها آب فراوان است، یعنی همه نعمت‌ها از باغ‌ها و کشتزارها و دام‌ها و طراوت زندگی می‌باشد". (مبیدی، ج ۱۰: ۲۵۴) در روایت نیز درباره این ثمره استقامت چنین آمده است: ای پسرچندب اگر شیعیان ما استقامت داشته باشند، خداوند از بالای سر و زیر پا برایشان روزی می‌فرستد. (علی احمدی میانجی، مکاتیب الاثمه، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۶ق، ج ۴، ص ۲۰۷)

امداد و نصرت الهی

این وعده محتوم خدا است که مومنان را به شرط صبر و استقامت در راه دین، نصرت می‌دهد و از کید و فتنه دشمنان رها ساخته و امدادهای غیبی خود را برآنان نازل می‌کند: «وَأَنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضْرَمَكُم كَيْدُهُمْ شَيْئًا» (ال عمران، ۱۲۰) خداوند متعال در جنگ بدر خطاب به رزمندگان مسلمان که تعدادشان یک سوم نیروهای دشمن بود، فرمود: اگر استقامت کنید و تقوا پیشه کنید من شما را با پنج هزار ملک یاری می‌کنم: «بَلَىٰ أَنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتوكُم مِّنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يَمْدَدُكُم بِكُم بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مَسْومِينَ» (ال عمران، ۱۲۵)

حفظ عزت و کرامت انسانی

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «بر تو باد پیمودن راه استقامت که همانا آن موجب کرامت تو می‌شود.» (آمدی، ۱۴۱۰ق: ۹۳) در میان آفرینندگان خداوند، انسان ویژگی‌های منحصر به فرد خود را دارد، هم از لحاظ داشتن نیروهای عظیم فکری و مادی و هم قابلیت رسیدن به مقام قرب الهی، تا جایی که از فرشتگان هم می‌تواند برتر باشد. «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا» (بقره، ۳۴)

خدا انسان را شاهکار خلقت و آفرینش معرفی کرده است و از خاک و گلی که کم ارزش‌ترین است، چنان موجود شگرفی بیافریند. «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون، ۱۴) به تعبیر حضرت علی علیه السلام وجود فیزیکی انسان با اینکه صغیر است، اما خداوند عالم کبیر را در وجود او جای داده و آنقدر شایستگی‌ها به او بخشیده که لایق کرامت و برتری بر سایر موجودات شده است. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء، ۷۰) او نیز می‌تواند خود را انسان الهی بسازد تا به مقام خلیفه الهی برسد. «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره، ۳۰)

حال چنین صفات و ویژگی‌های خاصی که خداوند متعال برای اشرف مخلوقات در نظر گرفته است و از روح خود در وی دمیده است. «وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجر، ۲۹) اراده‌اش بر این نیست که چنین مخلوق شریفی، مورد ظلم و استبداد و استعمار برخی از انسان‌ها که به تعبیر قرآن پست‌تر از حیوانات هستند قرار بگیرد. «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» (اعراف، ۱۷۹) از این جهت دستور می‌دهد که برای حفظ عزت و کرامتی که من خود به شما ارزانی کرده‌ام، هیچگاه در جهاد با دشمنان سستی و کوتاهی نکنید «وَلَا تَهِنُوا» و آنچه از سختی‌ها و مشکلات که به پیکرها و یا ثروت‌های شما می‌رسد اندوهگین نباشید؛ «وَلَا تَحْزَنُوا» چرا که شما مسلمانان از جهت مقام و منزلت انسانی برترید «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ» البته برای این برتری و کرامت، یک قید آورده است و آن هم ایمان و استقامت است: «إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۱۳۹) (طبرسی، ۵۳۶ق، ج ۴: ۲۶۶)

دفع شر و استقرار توحید

بلاشک یکی از مهم‌ترین اهداف انبیاء و ائمه علیهم السلام، از ایستادگی کردن در مقابل طاغوت‌ها، حاکمیت توحید و ارزش‌های الهی در جوامع بشری بوده است. اگر در جامعه ای دین حاکم شود، همه انسان‌ها از آزادی معنوی و دنیوی برخوردار می‌شوند. "در استقامت کردن هدف آن نیست که جای قدرت‌ها عوض شود، بلکه مراد اقامه عدل و حکم خدا و خشکاندن ریشه فتنه است، تا انسان‌ها در سایه آزادی، راه سعادت و خوشبختی را انتخاب کنند." (بهرام‌پور، ۱۳۸۶: ۲۳۶) قرآن کریم دو فلسفه مهم برای

جهاد و مقاومت تبیین می‌کند: یکی از بین رفتن شر و فتنه ظالمان و مستکبران و دیگری حاکم شدن توحید و دین الهی در جامعه، که این دو مهم محقق نخواهد شد مگر در سایه استقامت و نبرد با ظالمان. «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (انفال، ۳۹) در این آیه شریفه مفسران «فتنه» را هم به معنای شرک و هم به معنای تسلط غیرمشروع و کوشش‌های دشمنان برای سلب آزادی فکری و انسانی از مسلمانان گرفته‌اند. همه ظلم‌هایی که در جهان به مردم روا می‌شود، به خاطر این است که زورگویان می‌خواهند تسلط غیر مشروع بر مال و جان مردم داشته باشند. (مکارم، ۱۳۸۵: ۲۶۶) در ذیل آیه فوق از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده‌اند که: هنوز تأویل این آیه فرا نرسیده‌است. هنگامی که قائم ما قیام کند، کسانی که در آن زمان بر روی زمین باشند، تأویل این آیه را خواهند دید و دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم، جهان را فرا خواهد گرفت و شرکی بر روی زمین باقی نخواهد ماند. (طبرسی، ۵۳۶ق: ۲۱۸)

شناخت صحیح و منطقی از چهره حقیقی طاغوت

تا انسان باور به وجود دشمن و دشمنی طاغوت نداشته باشد و شناخت صحیح و منطقی از شگردهای آنان پیدا نکند، قطع به یقین نخواهد توانست در مقابل آنها استقامت داشته باشد. بی تفاوتی و نداشتن دغدغه برای شناخت دشمن و وجود آن، از مهم‌ترین عوامل شکست ما و موفقیت دشمن می‌باشد. مقام معظم رهبری: هر قدر شناخت ما از دشمن بهتر باشد به طبع مقاومت ما بهتر خواهد بود. آنچه وظیفه ما به عنوان احاد مردم، به عنوان احاد جمهوری اسلامی است: دشمن را خوب بشناسیم و در شناخت دشمن اشتباه نکنیم؛ ما بایستی میلیون‌ها نفر آماده باشیم برای اینکه در مقابل طاغوت‌ها استقامت کنیم. (خامنه‌ای، دیدار با مردم قم، ۱۳۹۸) در قواعد زندگی ساز قرآنی، همان‌طور که انسان به معرفت خدا، معرفت امام و حجت خدا، معرفت نفس و خودشناسی و ... دعوت شده است، به معرفت عدو و دشمن شناسی نیز توصیه و تأکید شده است. به هر میزان شناخت نسبت به عدو بیشتر باشد به همان میزان استقامت انسان در مقابل آنها بیشتر خواهد بود. (محمدرضا حکیمی، الحیاه، ترجمه احمد آرام، قم، دلیل ما، ۱۳۸۵، ص ۲۱۱-۲۵۵)

بسیاری از اوغات، طاغوت‌ها بر خلاف آنچه که عمل می‌کنند، چهره‌ای بسیار خوب و موجه از خود نشان می‌دهند و با ادبیات به ظاهر محبت آمیز اما در باطن فریبنده، انسان‌ها را دچار تردید و خطای محاسباتی می‌کنند. آنها در ظاهر اظهار دوستی می‌کنند و از باب دلسوزی وارد می‌شوند، اما در پشت صحنه نقشه‌های شوم و شرارت آمیز می‌کشند. اگر انسان همه این موارد را تا عمق جان درک کند و

بفهمد، قطعاً موضع بسیار قاطع و محکم در مقابل طاغوت ها خواهد داشت. قرآن کریم در این باره می فرماید: «وَإِذَا لَقَوْكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَ إِذَا خُلُوا بِأَعْمَارِهِمْ عَلِمُوا مَا كُنْتُمْ تُبَيِّنُونَ لَهُمْ» (آل عمران، ۱۱۹) (هنگامی که شما را ملاقات می کنند (به دروغ) می گویند: ایمان آورده ایم؛ اما هنگامی که تنها می شوند، از شدت خشم بر شما، سر انگشتان خود را به دندان می گزند. بگو: با همین خشم بمیرید) پیامبر اکرم می فرماید: "هوشمندترین مردم کسی است که پروردگارش را بشناسد پس او را اطاعت کند و دشمن خود را شناخته و از او نافرمانی کند" (محمدباقر مجلسی، ج ۷۴، ص ۱۷۹)

مقام معظم رهبری در این زمینه می فرماید: دشمن و روش های دشمنی اش را خوب بشناسید و ترفندها و شیوه های او را درست تشخیص بدهید. (خامنه ای، ۹۶/۷/۲۶- در جمع نخبگان علمی کشور)

یکی از مهم ترین ثمرات شناخت صحیح از طاغوت، تشخیص صحیح جبهه حق از باطل و تقویت استقامت در راه حق می باشد. در این زمینه مصادیقی از آیات قرآن کریم که پرده از ذات حقیقی طاغوت ها بر می دارد، اشاره خواهد شد:

عدم خیرخواهی برای انسان ها

در تفسیر من وحی القرآن ذیل آیه ۱۱۸ آل عمران آمده است که طاغوت ها هرگز در کارها و اقداماتی که موجب فساد امر شما شود کوتاهی نخواهند کرد و از هیچ کوششی در راه ضرر زدن به شما باز نخواهند ایستاد، و از هر مکر و حيله ای بهره خواهند برد. (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۶: ۲۳۳) «لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ» (آل عمران: ۱۱۸)

آنها به جهت شدت دشمنی و حسادت که نسبت به شما دارند، اگر خیر و منفعت و یا فتح و پیروزی به شما برسد، به شدت آنها را ناراحت و بدحال می کند و در مقابل اگر از نظر معیشتی و اقتصادی دچار مشکل شوید و یا در جنگ شکست بخورید و یا اگر از جهت عقیدتی دچار تزلزل شوید، آن ها شدیداً مسرور می شوند (شیرازی شافعی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۳۵). «إِنْ تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُوهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ» (آل عمران: ۱۲۰) آیه دیگر پرده از کینه توزی و عداوت گروه مشرکان و کافران از اهل کتاب نسبت به مؤمنان برداشته و می گوید: کافران اهل کتاب و همچنین مشرکان دوست ندارند هیچ گونه خیر و برکتی از سوی خدا بر شما نازل گردد.

«مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ» (بقره: ۱۰۵)

فشار حداکثری برای تسلیم

به عبارتی تمام تهدیدها، تطمیع‌ها، تحریم‌ها، تبعیدها و ... که در جاهای مختلف قرآن به نمونه‌های آن اشاره شده‌است، فلسفه‌اش این بوده که انبیاء و اولیای الهی و پیروانشان را به تبعیت از روش و سلوک خود وادار کنند و از استقامت و ایستادگی از مواضع حق گریانه خود بازدارند. به‌عنوان نمونه در آیه ۸۸ سوره مبارکه اعراف، سران مستکبر قوم شعیب، آن حضرت و یاران او را تهدید به تبعید نمودند و قسم خوردند که ما بی‌گمان تو و نیز کسانی که به تو ایمان آورده‌اند را از شهر بیرون خواهیم کرد، مگر آنکه هرچه زودتر به آیین ما بازگردید و از مخالفت ما خودداری کنید. « قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ » (اعراف، ۸۸) که پاسخ حضرت شعیب منفی بود. « قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ » (طبرسی، ۵۳۶ق، ج: ۹، ۱۷۷)

قرآن به ما می‌آموزد که طاغوت‌ها و دشمنان اسلام دائماً در حال جنگ و پیکار با مسلمانان هستند، آنان همواره در کمین هستند و به چیزی کمتر از ارتداد، کفر و پشت کردن به دینتان و سست شدن در مقابل ارزش هایتان راضی نخواهند شد.

« وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ » (بقره: ۲۱۷) «لَا يَزَالُونَ» به معنای پیوستگی می‌باشد. یعنی آنها دنبال پیروزی موقت نیستند، بلکه تا فرهنگ و مکتب شما را از بین نبرند، دست‌بردار نخواهند بود". (قرائتی، ۱۳۷۴ش، ج: ۱، ۳۳۹) مشکل و چالش اصلی آنها، دین و دین‌داری مسلمانان می‌باشد. چراکه می‌دانند همان دین است که امر به استقامت و ایستادگی در برابر طاغوت‌ها را می‌دهد و این مکتب برای آنها قابل تحمل نخواهد بود؛ از این رو بی‌وقفه تمام سعی و تلاش خود را می‌کنند تا روح ایمان و دین‌داری را از جامعه مسلمین بگیرند و بتوانند مسلمانان را به جای تسلیم خدا بودن، تسلیم خود کنند. آنها نه تنها سعی و تلاش می‌کنند که مسلمانان را از دین خود برگردانند، بلکه از آن طرف تمام همت‌شان این است که انسان‌ها را تابع آئین و روش خود کنند. « وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ » (بقره: ۱۲۰)

ایجاد فضای تبلیغاتی مسموم

همواره در طول تاریخ و با برانگیخته شدن انبیای اعزام، دشمنان آنها هم، جرم و جنایت می‌کردند. « وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ » (فرقان: ۳۱) و با مکر و حيله‌هایی که به کار می‌بردند سعی در منحرف کردن اذهان مردم از استقامت داشته‌اند؛ وقتی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آنها را دعوت به خداپرستی می‌کرد و از بت‌پرستی باز می‌داشت، آنها برای این که اذهان عمومی را نسبت به رسالت نبی مکرم اسلام مخدوش و دچار تردید کنند، نسبت شاعر و دیوانه به پیامبر اکرم (صلی الله

علیه و آله و سلم) می‌دادند: «وَيَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُو آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ» (صافات: ۳۶) در صورتی که قرآن خط مشی پیامبر را از خط شعراء جدا می‌کند. "شعرا در عالم خیال و پندار حرکت می‌کنند و پیامبر در عالم مملو از واقع‌بینی و حقیقت". (تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۹: ۱۰۷) آنها در رویارویی با قرآن کریم که از سرچشمه وحی تراوش کرده و بر زبان حق گوی پیامبر جاری شده است متوسل به تبلیغات سوء شده و برای این که مردم را دچار تردید کنند می‌گفتند قرآن افسانه پیشینیان است. «يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» (انعام: ۲۵) در آیه ۲۶ غافر، فرعون که به عبارتی طاغوت زمان خود محسوب می‌شد؛ بافضاسازی و تبلیغات سوء بر علیه موسی، مدعی شد که من باید او را به قتل برسانم. وی جنایت خود را اینچنین توجیه می‌کند که من ترس آن دارم موسی دین شما را عوض کند یا در زمین فساد کند. طاغوت ها، خود را دوستدار مردم نشان می‌دهند و هر جا حکومت خود را در خطر ببینند خود را حامی مردم و طرفدار دین معرفی می‌کنند. «انی اخاف ان یبدل دینکم او ان یظهر فی الارض الفساد» (غافر، ۲۶)

ایجاد نزاع و دشمنی بین انسان ها

یکی از روش های طاغوت ها برای از بین بردن استقامت انسان ها، ایجاد نزاع و عداوت بین آحاد مردم و برادران ایمانی است. آنان می‌دانند که اگر انسان های آزادی خواه با هم متحد باشند، استقامت آنها چند برابر شده و سبب شکست شان می‌شود. از این رو دائما تلاش می‌کنند تا با ایجاد تفرقه آنها را از استقامت در راه حق بازدارند. در آیات قرآنی بارها هشدار داده شده که شیاطین به دنبال ایجاد دشمنی و عداوت بین شما هستند. «انما یرید الشیطان ان یوقع بینکم العداوه و البغضاء» (مائده، ۹۱)

یکی از جدی‌ترین آفت ها و آسیب‌ها برای از بین بردن اتحاد و یکدلی بین امت مسلمان، نزاع و جدل می‌باشد. قرآن کریم با صراحت به این موضوع اشاره کرده و نزاع را سبب از بین رفتن اقتدار و استقامت مسلمانان، معرفی می‌کند. «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رَیْحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال، ۴۶) در این آیه شریفه اشاره دارد به اینکه با یکدیگر نزاع نکنید، چراکه این نزاع باعث می‌شود ضعیف شوید و نیرویتان هدر رود، از یکدیگر متفرق می‌شوید و همچنین نزاع باعث سست شدن شما و جری شدن دشمنان می‌شود. در نقطه مقابل دعوت به خویشتن‌داری و صبر کرده است. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۵۳۴) پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با نگرانی و شدت تمام، امت خود را از تفرقه برحذر می‌داشت و می‌فرمود: قوم یهود بعد از موسی علیه السلام ۷۱ فرقه شدند و مسیحیان ۷۲ فرقه و امت اسلام بعد از من ۷۳ فرقه خواهند شد. (مغنیه، ۱۴۲۴ق: ۲۲۷)

آخر اینکه، خداوند متعال خطاب به مؤمنین هشدار می‌دهد که اگر از کافرین اطاعت و تبعیت کنید، آنها شما را به عقب بازمی‌گردانند و آنگاه خسارت زده بازمی‌گردید و تمام هستی مادی و معنوی خود را از دست می‌دهید. « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرْدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ » (آل عمران، ۱۴۹) در این آیه شریفه برگشت به عقب را، برگشت به دوران کفر و شرک معنا کرده اند. (طوسی، ج ۳: ۱۴)

تقویت روحیه امید و امید آفرینی در انسان

باید توجه داشت که بین امید و استقامت رابطه مستقیم وجود دارد، و هر میزان امید انسان بیشتر باشد به تبع آن استقامت وی بیشتر خواهد شد. یکی از راه کارهای بسیار موثر در ارتقاء ایستادگی انسان در مقابل طاغوت ها، تقویت روحیه امید می باشد. از این رو یکی از مهم ترین نقاط هدف دشمنان، ایجاد فضای یاس و بی هویتی در بین انسان ها می باشد. "در جهان بینی توحیدی، امید در راستای تکامل و کمالات اخلاقی انسان است و توجه به این فضیلت اخلاقی عامل استقامت، آرامش، واستحکام او در برابر ناملایمات می باشد." (اسیه ذهبی، مقاله امید و نقش آن در زندگی انسان، ۱۳۹۷، پژوهش مدرسه امام جعفر صادق شاهرود) یاس و امید دو صفتی هستند که بایکدیگر ضدیت دارند؛ امید کسی که روح یاس و ناامیدی بر او چیره شود پیوسته محزون و اندوهناک خواهد بود و هرگاه که به سوی مقصد حرکت کند، اگر به کوچک ترین مانع برخورد کند، یاس او را از استمرار در حرکت به سوی مقصد، باز خواهد داشت، در نتیجه از استقامت در برابر موانع منصرف گشته و به هدف نخواهد رسید. اما هر گاه روح امید بر انسان مستولی شود، استقامت او مضاعف خواهد شد و در راه مقصد به هر مانعی که برخورد کند، نا امید نمی شود و با امیدواری کامل آن مانع را برداشته و با استقامت به سوی مقصد رهسپار خواهد شد. (سیدرضاصدر، رابطه امید با صبر و استقامت، دائرة المعارف طهور)

خداوند متعال در این زمینه می فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْمُؤْمِنُونَ» (آل عمران، ۱۳۹) آیه شریفه می خواهد بفهماند انسان ها اگر امید و ایمان داشته باشند نباید در عزم و استقامت خود سست شوند، و نباید به خاطر اینکه در مواردی بر طاغوت ها ظفر نیافته اند و نتوانسته اند از آنها انتقام بگیرند ناامید و اندوهگین شوند؛ برای اینکه به هیچ وجه ممکن نیست انسان ها با حفظ و تقویت ایمان و امید خود، زیر دست کفار منفعل شوند. (طباطبایی، ج ۴، ص ۳۹-۴۰)

امام صادق (علیه السلام) در حدیث جنود عقل و جهل، «رجاء» و امیدواری را یکی از لشکریان عقل، و مقابل آن را «قنوط» و نومیدی که از لشکریان جهل و شیطان است دانسته است. (کلینی، ج ۱، ص ۲۱)

امید هم نشین مفاهیمی چون: استقامت، آرامش، جرئت، جسارت، و کار و تلاش است و اما یاس و ناامیدی هم نشین: اضطراب، سستی، تردید، افسردگی و منشا بیم از ورود به میدان ها است. (یوسفیان، نعمت الله، قواعد قرآنی بر جهاد تبیین، قم، ۱۴۰۰، ناشر: زمزم هدایت)

یکی از کارهای منافقین در زمان پیامبر (صلوات الله علیه) ناامید کردن مردم و خالی کردن دل آنها، و کم نشان دادن قدرت و موفقیت مسلمانان، و در مقابل قوی و موفق نشان دادن طاغوت ها بود. این ناامید سازی به قدری خطرناک است که خداوند متعال با لحنی تند و تهدید آمیز نسبت به منافقان آیه ۶۰ سوره مبارکه احزاب را نازل کرد و فرمود: اگر منافقان و کسانی که در قلب شان مریضی و شایعه پراکنان (از ناامید کردن مردم و ترساندن آنها) دست برندارند، تو را سخت به جان آنها خواهیم انداخت. (تا آنکه کوچ کنند یا نابود شوند)

یکی از عوامل بسیار مهمی که انسان را از ایستادگی در مقابل طاغوت منصرف می کند، این است انسان خود را در نهایت بیچارگی و ذلت ببیند و راه نجات و فرج را در نظر خود بن بست تلقی کند. از این رو قرآن کریم ناامیدی از رحمت خداوند را کفر می داند و امر می کند که از رحمت خدا نا امید نباشید. «ولا تياسوا من روح الله انه لا يياس من روح الله الا القوم الكافرون» (یوسف، ۸۷) هر کس ایمان به خدا دارد، لازم و حتمی است به این معنا معتقد شود که خدا هر چه بخواهد انجام می دهد و به هر چه اراده کند حکم می نماید و هیچ قاهری نیست و هیچ ابرقدرتی نمی تواند بر مشیت او فائق آید، و هیچ صاحب ایمانی نباید از رحمتش ناامید شود؛ زیرا یاس از روح خدا در حقیقت محدود کردن قدرت او و درمعنای کفر به احاطه وسعه رحمت اوست و به این معنا ایمان ندارند که خداوند تواناست تا هر غمی را زایل و هر بلایی را دفع کند. (طباطبایی، ج ۱۱، ۳۲۰-۳۲۱) مقام معظم رهبری در این زمینه می فرماید: یکی از بزرگ ترین نعمت های الهی امید و اعتماد به نفسی است که در انسان وجود دارد. مردمی که مایوس و ناامید باشند، نمی توانند استقامت و صبر کنند؛ نه تنها کار نمی کنند، بلکه مانع کار هم می شوند. ایشان امیدوار کردن مردم نسبت به آینده را، بزرگ ترین جهاد و مایوس سازی آنها را خیانت می دانند. (خامنه- ای، دیدار مسئولان و کارگزاران، ۸۵/۳/۲۹) یکی از معانی که متخصصان علم لغت برای واژه استقامت عنوان کرده اند، و در ابتدای این تحقیق به آن اشاره شد، معنی جهد و تلاش است. امید به استعانت الهی، منشا نشاط و جهد و تلاش است، که یکی از مهم ترین الزامات استقامت در برابر قدرت های طاغوتی، جهد و کوشش می باشد. از رسول خدا نقل شده است: «اگر امید و آرزو نبود، هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی داد و هیچ باغبانی درختی نمی کاشت» (محمدباقر مجلسی، ج ۷۴، ص ۱۷۳)

آخر اینکه: قاعده امید و امیدواری به انسان درس استقامت و ایستادگی می دهد؛ زیرا یک انسان که معتقد به قدرت لازال الهی است، باور دارد به اینکه خداوند توانایی دارد تا هر غم و اندوه و هر گره بسته ای را باز کند و هر فشار و گرفتاری را برطرف سازد.

حسن ظن به وعده های الهی (بجای سوءظن)

آیه ۲۴۹ بقره «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ كَمَنْ فُتِنَ قَلِيلًا غَلَبَتْ فِتْنَةُ كَثِيرَةٍ بَارِئًا مِنَ اللَّهِ» اشاره دارد به مومنینی که حسن ظن به وعده الهی و روز رستاخیز داشتند. یقین آنها به این بود که کثرت جمعیت دشمن و اندکی نیروی خودی، نه تنها استقامت آنها را کم نکرد، بلکه بر استقامت آنها افزود و گفتند ما به اذن الله، با همین جمعیت قلیل بر جمعیت کثیر دشمن غالب خواهیم شد. نهایتاً پیروز جنگ شدند و به دیگران فهماندند که نباید به کمی جمعیت نگاه کرد بلکه باید کیفیت را در نظر گرفت. (مکارم، ج ۲، ص ۲۴۴)

اگر به خدا حسن ظن داشته باشیم، وعده ها و وعیدهای خدا را باور می کنیم و اگر وعده ها و وعیدهای خدا را که ریشه اش حسن ظن است باور کنیم، یکی از مهم ترین اتفاقاتی که در زندگی مان می افتد «استقامت» و مجاهدت می باشد. چنین شخصی برای رسیدن به وعده ها که همان بهشت است و فرار از وعیدها که جهنم است، استقامت و مجاهدت می کند. (ماندگاری، محمدمهدی، ۱۰ تیر ۱۳۹۹، تسنیم)

مقام معظم رهبری: ملت ایران حسن ظن خود به وعده های الهی را با استقامت، اثبات کرده است. (خامنه ای، ۱۳۹۷/۹/۴ دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی)

آنچه که مسلم و قطعی است و به طور حتم محقق خواهد شد، وعده خداوند متعال در هر زمینه ای می باشد. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ» (فاطر، ۵) و از طرفی هیچ گونه تخلف و نقصی در آن راه ندارد. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ» (آل عمران، ۹). شکست هایی که بعضاً در مقطعی از تاریخ اسلام، رخ داده است ریشه آن سوء ظن به وعده های الهی بوده است. اگر انسان به وعده های الهی حسن ظن داشته باشد و اعتماد کند، ذلت و شکست طاغوت ها و در مقابل عزت و پیروزی جبهه حق را به عینیت خواهد دید، و همین امر باعث ایجاد انگیزه و روحیه مضاعف در افزایش استقامت انسان خواهد شد. وعده هایی که در طول تاریخ به طور مکرر به فعلیت رسیده و تجربه شده است. یکی از ویژگی های بارز منافقین این است که، به خداوند متعال و وعده های الهی سوءظن دارند و همین امر باعث می شود نتوانند استقامت کنند و حوادث و پیش آمدهای سوء، تنها بر این گروه نازل شود و عذاب و هلاکت آنها فرا خواهد رسید. «وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ

اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا» (فتح، ۶) - «وَوَلَّيْنَاهُمُ ظَنَ السَّوءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا» (فتح، ۱۲)

در جنگ احد بعد از اینکه لشکر پیامبر به ظاهر شکست می‌خورد، عده‌ای از افراد سست‌عنصری که سوءظن به خدا و رسول او داشتند، اظهار می‌دارند که اگر او پیامبر بود شکست نمی‌خورد و همچنین آنها شکست احد را نشانه نادرست بودن اسلام می‌دانستند؛ درحالی‌که آن شکست، معلول نافرمانی آنها از رسول خدا بود. (الکاشف، ۱۸۲/۲) سخن دیگرشان این بود که اگر ما بر حق بودیم و سهمی از پیروزی داشتیم، این همه تلفات نمی‌دادیم. «لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا» (آل عمران ۱۵۴)

همان‌طور که مشرکان در جاهلیت و آغاز بعثت پیامبر (ص) پیروزی او و وعده‌های خدا را کذب و دروغ می‌انگاشتند، این افراد ضعیف و بدگمان هم، با تفکر جاهلی درباره خدا و پیامبر (ص) قضاوت می‌کردند و آن را دروغ می‌شمردند. «يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ» (آل عمران ۱۵۴) لذا در آیه بعد اشاره دارد به اینکه، اینها همان کسانی هستند، که به سبب سوءظن به خدا و رسولش و شک و تردیدی که در دل داشتند، در روز رویارویی دو گروه، نتوانستند استقامت کنند و به جنگ پشت کردند.

مثل همین جریان در جنگ احزاب هم رخ داد. هنگامی‌که آتش جنگ اوج گرفت و کار بسیار سخت و سنگین شد، به طوری که لشکر کفار از بالا و پایین حمله‌ور شدند، قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَنگَاهَ كَهِ چشَم‌ها حیران شد و جانها به گلو رسید، در این هنگام به وعده خدا گمان‌های سوء بردید». «إِذْ جَاءُوكُم مِّنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا» (احزاب، ۱۰) بازهم در این بین، بیماردلان شروع به هیاهو و جوسازی کردند و گفتند وعده‌های خدا و رسولش غرور و فریبی بیش نیست. «وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا» (احزاب، ۱۲) همین امر باعث شد که عده زیادی سست شوند و نتوانند استقامت کنند و با بهانه‌های واهی از میدان نبرد فرار کنند. «وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مَقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا» (احزاب، ۱۳) از پیامبر خدا نقل شده فرمود: خداوند متعال خطاب به فرشتگان می‌فرماید: «این بنده‌ام هرگز گمان خیر درباره من نبرد، و اگر ساعتی گمان خیر برده بود من او را به جهنم نمی‌فرستادم» (نمونه، ۲۵۴/۲۰)

مه‌ار نفس در مقابل شگفتی‌ها

امیرالمومنین (علیه السلام) در خطبه چهل و دوم نهج البلاغه در این باره می‌فرماید: ترسناک‌ترین چیزی که از آن بر شما خائف هستم تبعیت از هوی و هوس است؛ زیرا انسان را از (استقامت) در راه حق باز می‌

دارد. (نهج البلاغه، ۴۲) در تفسیر جامع البیان اشاره دارد به اینکه هر کس جهاد با نفس داشته باشد حتما خداوند متعال ایشان را به طریق استقامت که طریق مستقیم است، موفق خواهد کرد. (جامع البیان، ج ۲۱، ص ۱۱) در تفسیر من هدی القرآن اشاره دارد به کسانی که خدای خود را هوای نفس خود گرفته اند، آنها بجای استقامت در راه حق، استمرار در راه باطل و فساد دارند و خداوند متعال از آنها سلب توفیق خواهد کرد. (من هدی القرآن، ج ۱۳، ص ۹۳)

یکی از ترفندهایی که طاغوت ها و دشمنان دین بکار می برند تا انسان های مقاوم را از ایستادگی منصرف کنند، دادن وعده های فریبنده دنیایی و شگفت انگیز است. وعده هایی که دل انسان را به لرزه در می آورد.

نکته حائز اهمیت این است که برای استقامت در راه حق، اهداف و مبانی و ارزش ها الهی است، لیکن ابزارها و روش ها از نوع بشر و مادی می باشد. از طرفی هم قرار نیست آن اهداف الهی را، ملائکه و فرشتگان، جامه عمل بپوشانند، بلکه همه انسان ها و آدم های معمولی و زمینی با گرایش های مختلف می خواهند با عمل خودشان آن اهداف والا و عالی را تحقق ببخشند. انسان هایی که از یک سو مورد هجمه دشمنان خارجی و از طرف دیگر، مورد تهاجم هواهای نفسانی خودشان هستند؛ خواهش های نفسانی و دل بی طاقت انسان که مجذوب و فریفته زر و زیور دنیا می شود و سمت آن ها کشیده می شود و از صراط مستقیم و استقامت در راه حق، به چپ یا راست انحراف پیدا می کند. محبت طلا و نقره، محبت پول، شهوات جنسی، پست و مقام و... این ها چیزهایی است که هر کدام، یک کمندی برگردن و دل انسان ها می اندازد و آن ها را به سمت خودشان می کشانند. «زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ» (آل عمران / ۱۴) بنابراین احتمال خطا و آسیب پذیری هم زیاد می شود و اگر انسان خودسازی لازم را انجام نداده باشد و نفس سرکش را مهار نکرده باشد، به هیچ عنوان نمی تواند استقامت لازم را انجام دهد و در شرایط سخت و فشار دشمنان، از صحنه بیرون خواهد رفت. بنابراین، انسانی که به تعبیری از تمام جهات، ضعیف خلق شده است. «وَحُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا» (نساء / ۲۸) اگر از پروردگار جلیل و عظیم استمداد نجوید، در جهاد اکبر که همان مبارزه با نفس اماره است، نمی تواند پیروز شود، و به تبع آن نمی تواند در برابر دشمنان گونه گون دیگر هم استقامت کند و سربلند بیرون آید. از این رو قرآن کریم دستیابی به بهشت جاویدان را در گرو، استقامت در برابر هوای نفس سرکش و خوف از مقام خداوند می داند. «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ» (نازعات / ۴۰)

خشیت حقیقی از پروردگار

یکی از بارزترین صفات انبیاء و اولیای الهی ترس و خشیت از خداوند متعال و در نقطه مقابل عدم ترس از قدرت ها و به تبع، استقامت در برابر آنها می باشد. «وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ» (احزاب، ۳۹) - «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس، ۶۲) شهید مطهری در این زمینه می فرماید: از خصوصیات سیره انبیاء و بالخصوص سیره پیغمبر اکرم اینست که یک ذره جرات و تجری بر خدا در وجودشان نیست، ولی در مقابل غیر خدا جرات محض هستند و یک ذره خود را نمی بازند و عدم ترس آنها از غیر خدا باعث می شود که با تمام وجود استقامت کنند. (مطهری، جلد ۱۶، ص ۱۶۵، مجموعه آثار، خشیت الهی) انسان های الهی، چون نظر به غیر خدا ندارند و قدرت و جلال را مستقل از ذات خدا نمی دانند و نفع و ضرر خودشان را در گرو اراده الهی می دانند؛ بنا بر این استقامت شان دوچندان شده و به راحتی و با آسودگی خاطر می توانند برای خدا و در مقابل دشمنان خدا استقامت کنند.

(ابوالفتح راضی، ناشر: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مکان چاپ: مشهد، ۱۴۰۸ ق)

کلمه «خشیت» به معنای تأثر مخصوصی در قلب است، که از برخورد با ناملایمات دست می دهد، و انسان های الهی فقط از خدا می ترسیدند و نه از غیر خدا؛ برای اینکه در نظر آنان هیچ مؤثری در عالم نیست مگر خدا. از این رو ترس حقیقی آن ها از پروردگار عالم، نه تنها مانع استقامت و ایستادگی در راه او نمی شد، بلکه مقاومت آن ها را مضاعف می کرد. (المیزان، ۴۸۵/۱۶) یکی از مهم ترین آفات و موانع، برای استقامت در راه حق، ترس می باشد. این آفت بزرگ مانع پیشرفت و سعادت مندی انسان می باشد؛ اگر انسانی بخواهد به عزتمندی دست پیدا کند، بایستی با تاسی به پیامبران و ائمه و اولیای الهی، ترس را از خود دور کند، تا روحیه استقامت و ایستادگی در آن نهادینه گردد. نکته مهم این است که تا ترس از طاغوت ها و قدرت های بزرگ از دل و جان انسان بیرون نرود، روحیه مقاومت و ایستادگی به وجود نخواهد آمد.

«الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران، ۱۷۳)

با توجه به شأن نزول این آیه، منظور از «الناس» اول، منافقین ترسویی بوده اند که در جنگ احد و غزوات دیگر فرار کردند و منظور از «الناس» دوم، ابوسفیان و اتباعش می باشد، که در آن زمان دارای شوکت بودند.

آنان برای اینکه مجاهدین مؤمن را بترسانند، به آنان می‌گفتند: عده‌ای که برای محاربه‌ی با شما آمده‌اند از قشون ابوسفیان یا غیر آن‌ها، عده بسیار کثیرند و شما تاب نبرد با آنها را ندارید، پس بترسید و مقاومت نکنید، خود را در مهلکه نیندازید و تن به کشته شدن ندهید «فَرَادَهُمْ إِيمَانًا» اما به‌جای این که مؤمنین و مجاهدین از وسوسه آن شیاطین رعب و ترس در آنها ایجاد شود، بر ایمانشان افزوده شد. آری هر قدر ایمان در اثر عبادت و طاعت و مجاهده با نفس بیشتر درقلب نفوذ کند، قوت و شدت آن فزونی می‌یابد، تا به جایی که مؤمن مثل کوه راسخ می‌شود و بادهای تند مخالفین آن را تکان نمی‌دهد. (تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن / ذیل آیه مذکور)

امیر المؤمنین علی علیه‌السلام خطاب به کوفیان می‌فرماید: نفرین به شما کوفیان! هر گاه شما را به جهاد با دشمنان دعوت می‌کنم، چشمانتان از ترس در کاسه می‌گردد، گویا ترس از مرگ عقل‌های شما را ربوده و حیران و سرگردانید. سوگند به خدا اگر حرارت جنگ سخت شود و سوزش مرگ شما را دربر گیرد، از اطراف فرزندان ابوطالب، همانند جدا شدن سر از تن، جدا و پراکنده می‌شوید. (نهج‌البلاغه / خطبه ۸۳)

نتیجه

استقامت در قرآن کریم، به شکل نظام‌مند و بر محور توحید، و نفی طاغوت مبتنی است و هر گونه اقدام و اتخاذ روش باید در چارچوب مبانی، و در جهت تحقق اهداف و مقاصد الهی صورت پذیرد. از آیات قرآن این معنا استنباط می‌شود که اگر انسان بخواهد به تعالی و کمال برسد، می‌بایست روحیه عزم و ایستادگی خود را افزایش دهد، تا در مقابله با فشارها و سختی‌هایی که بعضاً طاغوت‌ها تحمیل می‌کنند، بتواند به طورجد و مستمر استقامت کند. شناخت و بصیرت نسبت به برخی شاخصه‌هایی که مرتبط با واژه استقامت می‌باشد، و تبیین درست و منطقی آن، عزم و اراده انسان را برای مقابله و ایستادگی در مقابل طاغوت‌ها مضاعف می‌کند. بنابراین به هر میزان که درک انسان نسبت به زوایای مختلف استقامت بیشتر باشد، به همان میزان مقاومت وی ارتقاء خواهد یافت. بسیاری از انسان‌هایی که توان استقامت در مقابل طاغوت‌ها را ندارند، بخاطر عدم معرفت نسبت به عوامل استقامت‌زا و شناخت راه‌های آن می‌باشد. تقویت روحیه توکل و امید و حسن ظن به وعده‌های الهی از جمله عواملی است که روحیه استقامت در انسان را تقویت می‌کند؛ همچنین فهم درست نسبت به طاغوت‌ها و خدعه‌ها و دشمنی آنها، تکلیف انسان را برای اتخاذ موضع صحیح و منطقی در مقابل آنها مشخص می‌نماید. به

تعبیر قرآن کریم، خداوند متعال سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه خود آن قوم حالشان را تغییر دهند.

منابع

۱. ابن‌ابی‌الحدید، ابوحامد، شرح نهج‌البلاغه، مکتبه آیت الله المرعشی نجفی رحمه‌الله، قم-ایران، چاپ اول ج. ۲۰.
۲. ابن عطیه عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، دار المکتب العلمیه، بیروت-لبنان- ۱۴۲۲ هـ.ق
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار الکفر للطباعه و النشر التوزیع، بیروت-لبنان، چاپ اول، تعداد جلد ۱۵
۴. امین اصفهانی، سیده نصرت، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ۱۳۶۲ ش، ج. ۱۵
۵. بجنوردی، حسن، القواعد الفقهیه، ۱۳۷۷ ش، قم- الهادی
۶. بهرام‌پور، ابوالفضل، نسیم حیات، آوای قرآن، ایران-تهران ۱۳۸۶ ش
۷. تهرانی، محمدصادق، الفرقان فی تفسیر القرآن، ناشر: فرهنگ اسلامی، تهران-۱۴۰۶ ق، چاپ دوم، تعداد جلد: ۳۰
۸. جوهری فارابی، اسماعیل بن حمان، الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیه، دار العلم للملایین، بیروت-لبنان-۱۴۰۴ قمری- چاپ سوم
۹. حسینی زبیدی واسطی، سیدمرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، دار الفکر، بیروت- لبنان- سال نشر ۱۴۱۹ ق- تعداد جلد ۲۰
۱۰. خامنه‌ای، سید علی، طرح اندیشه کلام اسلامی، ۱۳۹۰ ش، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ناشر دار الشامیة، بیروت- لبنان سال ۱۴۱۲ ق- تعداد جلد ۱
۱۲. سیوطی، جلال‌الدین عبد الرحمن، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، مکتبه آیت الله المرعشی نجفی رحمه‌الله علیه-قم- ایران-۱۴۰۴ ق
۱۳. شیرازی شافعی، عبدالله بن عمر، بیضاوی، أنوار التنزیل و أسرار و التاویل، دار احیاء و التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸ ق، چاپ اول
۱۴. صدر، سید محمدباقر. "همراه با تحول اجتهاد"، تهران، روزبه
۱۵. صدوق، محمد بن علی بن الحسین بابویه قمی، قرن ۴، الخصال، مؤسسه النشر الاسلامی
۱۶. طاهری، مهدی، خبرگزاری ایرنا، چهارمحال و بختیاری، ۱۰ شهریور ۱۳۹۸
۱۷. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم- ۱۳۷۸ ش
۱۸. طباطبائی، سید محمد حسین، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، سال ۱۳۹۴
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۵۳۶ ق، تعداد جلد ۸، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۲۰. طبری، ابوجعفر محمد بن جبیر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفه، بیروت-لبنان، ۱۴۱۲ ق، چاپ اول، ج. ۳۰
۲۱. طوسی، ابی جعفر بن محمد بن الحسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ج. ۱۱، دفتر انتشارات اسلامی

۲۲. فخرالدین رازی (فخر رازی)، محمدبن عمر، التضریر الکبیر، مکتب تحقیق دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق، چاپ ۳، ج. ۳۲
۲۳. فضل الله، علامه سید محمدحسین، من وحی القرآن، انتشارات: دارالملاک، بیروت- لبنان، ۱۴۱۹ ق، چاپ دوم، ج. ۲۴
۲۴. فیض کاشانی، ملا محسن، الوافی، مکتب الامام امیرالمؤمنین علی علیه السلام العامه، اصفهان-ایران، ۱۴۰۶ ق، چاپ اول تعداد جلد: ۲۶
۲۵. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۷۴
۲۶. قرطبی، عبدالله بن احمد انصاری، الجامع الأحکام القرآن، ناشر: ناصر خسرو، تهران، ۱۳۶۴ ش، چاپ اول، تعداد ج. ۲۰
۲۷. قطب، سید ابراهیم حسین، سیاست در اسلام، قاهره، دارالشروق
۲۸. کیانی، حسین، بن مایه‌های ادبیات مقاومت در قرآن
۲۹. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، مطبعه المرتضویه، نجف اشرف- عراق
۳۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ناشر: دارالکتب الاسلامیه، هندوستان، ۱۳۱۹ ق، تعداد جلد: ۱۱۰
۳۱. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ناشر، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی- تهران ۱۳۸۶ ش، تعداد جلد: ۱۴
۳۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ۱۳۸۹، تهران، صدرا
۳۳. مغنیه، محمدجواد، التفسیر الکاشف، دارالکتب الاسلامی، قم- ایران، ۱۴۲۴ ق، ج. ۷
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، ایران، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵ ش
۳۵. مولانا، حمید، امام علی علیه السلام و ابعاد عدالت اجتماعی، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۱۶
۳۶. میرزایی، محمد، مقاله مفهوم‌شناسی مقاومت در قرآن، نشریه انقلاب اسلامی، ۱۲ مرداد ۱۳۹۳
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم، ایران، سال نشر ۱۳۷۹ ش، مدرسه امام علی ابن ابیطالب، چاپ اول، تعداد جلد: ۲۰.

مطهر